جهانی سازی دموکراتیک، بدیل جهانی سازی سرمایه‌داری

رواسانی، شاپور

رایج‏ترین دلیلی که جانبداران ورود ایران به‏ سازمان جهانی بازرگانی در رابطه با مسئلهء جهانی شدن و جهانی‏سازی سرمایه‏داری در تأیید نظر خود بدان متوسّل می‏شوند این است که ما بدیلی در برابر این روند و طرح نداریم و به این‏ سبب چه بخواهیم و چه نخواهیم باید به روند جهانی شدن و جهانی سازی بپیوندیم و در این راستا، ادامه دادن خصوصی‏سازی و اجرای یک رشته از دستورهای سازمان‏های بین المللی اجتناب‏ناپذیر است.

نکهء جالب در گفتارها و نوشتارهای متعدّد جانبداران ورود ایران به سازمان جهانی بازرگانی و شرکت فعّال در روند جهانی شدن و جهانی‏سازی، خودداری از ذکر پسوند«سرمایه‏داری»و در بسیاری موارد،انکار وجود و حضور امپریالیسم‏ سرمایه‏داری در دوران کنونی است.در این گفتارها و نوشتارها،سازمان‏های اقتصادی بین المللی‏ به صورت چمن‏های زیبایی که در آن گرگ‏ها و میش‏ها برادرانه از یک چشمه سیراب می‏شوند و اثری از تقلّب و ریا و زورگویی به چشم نمی‏خورد تصویر می‏شود.

در کنار این رفتار،باید این حقیقت را هم‏ پذیرفت که نقطهء ضعف مخالفان جهانی شدن و جهانی‏سازی سرمایه‏داری چه در سطح بین المللی‏ و چه در جامعهء ما،ارائه نکردن بدیل در زمینه‏های‏ سیاسی،اقتصادی و فرهنگی است.

در پاسخ به این نکات می‏توان این حقیقت‏ تاریخی را یادآور شد که به همان گونه که در طول‏ تاریخ و در همهء جوامع،نظام‏های سیاسی و اقتصادی ظالمانه،ضدّ و نافی خود را در درون خود پدید آورده و پرورش داده‏اند،شیوهء تولید سرمایه‏داری و امپریالیسم سرمایه‏داری نیز از زمان‏ پیدایش و در جریان رشد و گسترش،چه در درون‏ جوامع سرمایه‏داری و چه در مستعمرات،بدیل‏ خود را به وجود آورده و این بدیل در صحنهء جهانی، چه در جوامع سرمایه‏داری و چه در جوامع‏ مستعمراتی حضور و وجود دارد.

جنبش جهانی شدن و جهانی‏سازی دموکراتیک‏ که بدیل جهانی شدن و جهانی‏سازی سرمایه‏داری‏ است،در جوامع سرمایه‏داری،دنباله و ادامهء جنبش‏های دموکراتیک در دوران پیش از سرمایه‏داری به شمار می‏رود.تشکیل اتّحادیه‏ها و احزاب کارگری با شرکت بخشی از روشنفکران و پیدایش و گسترش نظریهء اجتماعی-اقتصادی‏ سوسیالیسم،نماد و بیانگر اجتماعی این جنبش‏ دموکراتیک در جوامع سرمایه‏داری است.موضوع‏ جنبش دموکراتیک،اعمال دموکراسی به معنای‏ کامل و شامل حاکمیّت مردم در همهء زمینه‏های‏ سیاسی،فرهنگی و اقتصادی و در این رابطه نفی‏ استبداد سرمایه و سرمایه‏داری است.در مورد مسئلهء جهانی شدن و جهانی‏سازی سرمایه‏داری، چون تصوّر می‏شد شیوهء تولید سرمایه‏داری در همهء جوامع جهان مستقر شده و این جوامع در روند تضّاد کار و سرمایه به دو قطب تجزیه خواهند شد.شعار اتّحاد کارگران جهان مطرح گردید.

امّا در روند انکشاف شیوهء تولید سرمایه‏داری‏ (امپریالیسم سرمایه‏داری)سرمایه‏داران جوامع‏ سرمایه‏داری توانستند با شریک و سهیم کردن بخش‏ بزرگی از کارگران و روشنفکران در چیزهایی که از غارت مستعمرات به دست می‏آمد(و می‏آید)، جنبش دموکراتیک را در درون جوامع خود تجزیه، سرکوب و منحرف می‏کنند.در پاره‏ای از سرزمین‏ها نیز که گفته می‏شد جامعه بر ابزارهای عمدهء تولید و توزیع ثروت‏ها و سرمایه‏ها حاکمیّت و مالکیّت‏ دارد،به علّت نبود نظارت عامّهء مردم و آزادی‏های‏ سیاسی،طبقهء جدیدی سر برآورد که پس از چندی‏ به سرمایه‏داری جهانی پیوست.

گرچه هنوز جنبش جهانی شدن و جهانی‏سازی‏ دموکراتیک در همهء این جوامع یکسره از میان نرفته‏ است و می‏توان گفت که هنوز افراد و گروههایی در این جوامع به روند سرمایداری استعماری‏ معترضند،امّا دیگر نمی‏توان از نقش رهبری‏ فکری و سازمانی این افراد و گروهها در سطح‏ بین المللی سخن به میان آورد.

در دوران ما،پایگاه اجتماعی،سیاسی و اقتصادی جنبش جهانی‏سازی دموکراتیک به‏ مستعمرات و کشورهایی که مورد تهاجم‏ امپریالیسم سرمایه‏داری قرار گرفته‏اند،منتقل شده‏ است؛جوامعی که در آنها امپریالیسم سرمایه‏داری‏ برای پیگیری بهره‏برداریهای خود،از رشد سرمایهء کلاسیک جلوگیری و اقتصاد و نظام آنها را در چارچوب شیوهء تولید مستعمراتی و نظام اجتماعی مستعمراتی،همراه با تشکیلات طبقه و دولت وابسته‏ به امپریالیسم سرمایه‏داری،محدود و محصور کرده‏ است.در این جوامع،اکثریّت که کار می‏کنند و زحمت می‏کشند در فقر به سر می‏برند و حاصل‏ کار زحمتکشان بدنی وفکری و منابع طبیعی‏شان‏ چه مستقیم و چه با واسطهء طبقهء حاکم و دولت‏ وابسته به استعمار،از سوی جوامع سرمایه‏داری‏ استعماری به غارت می‏رود.

در این جوامع،جنبش دموکراتیک که خواستار اعمال حاکمیّت و مالکیّت جامعه در همهء زمینه‏ها بر پایهء دفاع از حقّ حیات و حرمت انسانی است‏ ریشه‏های تاریخی دارد.این جنبش بر اثر سلطهء امپریالیسم سرمایه‏داری و در چارچوب شیوهء تولید و نظام اجتماعی مستعمراتی،محتوا و شکل و بیان‏ تازه‏ای یافته و در آن،از نظر اجتماعی و اقتصادی، مبارزات طبقاتی و مبارزات ضدّ استعماری به هم‏ آمیخته است.این جنبش دموکراتیک که در روابط درون جوامع،خوستار مردم سالاری و مخالف‏ استبداد سیاسی و اقتصادی و شیوهء تولید مستعمراتی است،در روابط میان جوامع و بطور کلّی در سطح جهانی مخالف امپریالیسم در همهء گونه‏های آن و دوران ما مخالف امپریالیسم‏ سرمایه‏داری و در این رابطه جانبدار جهانی شدن و جهانی‏سازی دموکراتیک است.

جنبش جهانی شدن و جهانی‏سازی‏ دموکراتیک،در سطح جهانی،خواستار استقرار نظامی است که در آن دور از فرضیّه‏های نژادی و استعماری و با حذف مرزهای سیاسی و نظامی، همهء انسان‏ها در همهء جوامع بر پایهء اراده و خواستهای فرهنگی خود زندگی کنند و یک اقلیّت‏ -به هر اسم و رسم که باشد-چه در درون جوامع و چه در جامعهء جهانی حاصل کار زحمتکشان بدنی و فکری را ندزدد و بر آنان ستم روا ندارد.

هواداران جهانی شدن و جهانی‏سازی‏ سرمایه‏داری،خواهان حرکت آزاد کالا و سرمایه‏ در جامعهء جهانی‏اند،امّا از حرکت آزاد نیروی کار انسانی در جامعهء جهانی،با ایجاد موانع پلیسی، نظامی،سیاسی و حقوقی در مرزهای کشورهای‏ سرمایه‏داری استعماری،با خشونت و قساوت‏ جلوگیری می‏کنند.

این گونه جهانی شدن و جهانی‏سازی،چیزی و پدیده‏ای جز امپریالیسم سرمایه‏داری نیست،امّا جنبش جهانی شدن و جهانی‏سازی دموکراتیک‏ خواستار حرکت آزاد نیروی کار انسانی در جامعهء جهانی است.آن کس یا گروهی که خواهان‏ جهانی شدن و جهانی‏سازی بر پایهء دموکراسی، آزادی حقّ حیات و حرمت انسان‏ها،تمدّن و علم و اخلاق و ترقّی و تعالی بیشریّت است،باید جانبدار حرکت آزاد نیروی کار انسانی و حذف مرزهای‏ سیاسی و نظامی در سطح جهانی نیز باشد،امّا اگر آرمان جهانی شدن و جهانی‏سازی را به حرکت آزاد کالا و سرمایه و«خصوصی‏سازی اقتصاد سرمایه‏داری محدود کند،در دام امپریالیسم‏ سرمایه‏داری گرفتار خواهد ماند.بی‏گمان تنها با حرکت آزاد نیروی کار انسانی مصائب و مشکلات‏ جامعهء بشری که ناشی از سلطهء امپریالیسم‏ سرمایه‏داری است از میان نخواهد رفت،امّا این امر موجبات تزلزل جهانی‏سازی و جهانی شدن‏ سرمایه‏داری را تا اندازهء زیادی فراهم خواهد کرد؛و واکنش افراد و گروههایی که بی‏به کار بردن پسوند «سرمایه‏داری»از جهانی شدن و جهانی‏سازی‏ سخن می‏گویند،(در برابر این نظر در شرایط کنونی)بسیاری از وابستگی‏های فکری و چه بسا اقتصادی را روشن خواهد ساخت.

با توجّه به اینکه ساختار همهء جوامع‏ مستعمراتی و سرزمین‏هایی که مورد تهاجم‏ امپریالیسم سرمایه‏داری قرار گرفته‏اند یکسان‏ نیست و این جوامع از نظر اقتصادی،سیاسی و فرهنگی در سطوح گوناگونی قرار دارند،نمی‏توان‏ برای همهء این جوامع راهکار یکسانی در جهت‏ حرکت به سوی جهانی شدن و جهانی‏سازی‏ دموکراتیک و رهایی از دام جهانی‏سازی و جهانی‏ شدن سرمایه‏داری(امپریالیسم سرمایه‏داری)که‏ مستلزم اجرای یک رشته برنامه‏های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است پیشنهاد کرد.

دشواری اصلی و اساسی در راه حرکت این‏ جوامع به سوی جهانی شدن و جهانی‏سازی‏ دموکراتیک این است که در بیشتر این کشورها، طبقهء وابسته به استعمار قدرت اقتصادی و سیاسی و سازمان دولت را در اختیار دارد و خود بخشی از امپریالیسم سرمایه‏داری به شمار می‏رود.چنین‏ افراد و گروههایی،در جهت حفظ منافع طبقاتی‏شان‏

نقطهء ضعف مخالفان‏ جهانی شدن و جهانی‏سازی سرمایه‏داری‏ چه در سطح بین المللی و چه در جامعهء ما،ارائه‏ نکردن بدیل در زمینه‏های‏ سیاسی،اقتصادی و فرهنگی است.

در دوران ما،پایگاه‏ اجتماعی،سیاسی و اقتصادی جنبش‏ جهانی‏سازی دموکراتیک به‏ مستعمرات و کشورهایی‏ که مورد تهاجم امپرالیسم‏ سرمایه‏داری قرار گرفته‏اند منتقل شده است.

با امپریالیسم سرمایه‏داری همکاری و همدستی‏ می‏کنند و با مردمان جامعهء خود دشمنی می‏ورزند و جانبدار جهانی شدن و جهانی‏سازی سرمایه‏داری‏ هستند.

به هر روی،ارائهء برنامهء متناسب با داده‏های‏ اقتصادی،سیاسی و فرهنگی در هر جامعه،مستلزم‏ بررسی دقیق شیوهء تولید و نظام اجتماعی آن جامعه‏ در دورهء معیّن است.

در مورد جامعهء ما می‏توان گفت که جنبش‏ جهانی‏سازی و جهانی شدن دموکراتیک بر گذشتهء تاریخی جامعهء ایرانی در رابطه با نهضت‏های‏ اجتماعی ضدّ ستم‏های سیاسی و طبقاتی از دوران‏ باستان و دوران اسلامی تا دوره‏ای که با آغاز نفوذ کشورهای سرمایه‏داری استعماری به کشور ما آغاز شده است،قرار دارد.

در جامعهء ما نیز وابستگان طبقهء جدید و بخشی‏ از اقشار و گروههایی که ثروت و قدرت را در دست‏ دارند جانبدار جهانی‏سازی و جهانی شدن‏ سرمایه‏داری،ورود ایران به سازمان جهانی‏ بازرگانی،تداوم خصوصی‏سازی،جلب‏ سرمایه‏داری،ورود ایران به سازمان جهانی‏ بازرگانی،تداوم خصوصی‏سازی،جلب‏ سرمایه‏های خارجی و واگذاری سهام بورس،منابع‏ طبیعی و مراکز تولیدی به سرمایه‏داران خارجی‏اند، و این خواستها را زیر عنوان تلاش برای استقرار دموکراسی در ایران به جامعه عرضه می‏کنند، در حالی که طبقات زحمتکش،کارگران،دهقانان، بیکاران(کارگر و روشنفکر)و همهء کسانی که‏ حاصل کار بدنی و فکری‏شان به یغما می‏رود و با بیکاری و فقر و بیماری دست به گریبانند و خواستار استقرار آزادی،دموکراسی و مردم سالاری در جامعه‏اند،مخالف ورود ایران به‏ سازمان جهانی بازرگانی،تداوم خصوصی‏سازی، نفوذ و سلطهء سرمایه‏های خارجی و واگذاری منابع‏ طبیعی و مراکز تولیدی ایران و در یک کلام اسارت‏ در دام جهانی‏سازی و جهانی شدن سرمایه‏داری‏ هستند و توجّه دارند که سرمایه‏داری چه در درون‏ جوامع و چه در سطح بین المللی،نافی و ناقض‏ دموکراسی است.

این کثریّت زحمتکش،پایگاه اجتماعی جهانی‏ شدن و جهانی‏سازی دموکراتیک در ایران به شمار می‏روند و خواست آنان برای استقرار آزادی و دموکراسی به معنای اعمال حاکمیّت و مالکیّت‏ جامعه در همهء زمینه‏ها،در همین جهت است.

البتّه با توجّه به شرایط اقتصادی،سیاسی و اجتماعی موجود،راهی دراز و دشوار برای رسیدن‏ به وضعی که در آن یک اقلیّت،بلکه جامعه بتواند حاکمیّت و مالکیّتش را در همهء زمینه‏ها اعمال کند و از وابستگی‏ها و شیوهء تولید مستعمراتی رها شود،در پیش است،امّا با همهء مشکلات، نارسایی‏ها و تضادها،می‏توان برای پیشرفت در این‏ جهت به کارهایی دست زد.

در زمینهء داخلی،گام نخست تعیین دقیق و علمی ویژگیهای شیوهء تولید مسلّط در ایران و تعریف اجتماعی و اقتصادی آن است تا بتوان‏ برنامه‏های کوتاه و دراز مدّت برای اصلاح بنیادی‏ ساختار اقتصاد ایران ارائه و اجرا کرد.در جهت‏ تقویت جنبش جهانی‏سازی و جهانی شدن‏ دموکراتیک،می‏توان به تشکیل اتّحادیهء منطقه‏ای‏ دست زد.وجود پیشینهء پر ارزش و غنّی و مشترک‏ تاریخی و فرهنگی میان اقوام خویشاوند از شمال‏ آفریقا تا هند و از آسیای مرکزی تا جنوب‏ خلیج فارس،بر پایی یک اتّحادیهء پر قدرت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در چارچوب جامعهء بزرگ‏ شرق تسهیل و ممکن می‏سازد.

در هر دو مورد می‏توان دست به تشکیل‏ کنفرانس‏های علمی،و نه تبلیغی و تشریفاتی،زد و به جای خیال‏پردازی‏های فاضلانه در باب‏ جهانی‏سازی و جهانی شدن سرمایه‏داری،با توجّه‏ به واقعیّات اقتصادی و اجتماعی در ایران و جهان‏ در جهت استقرار دموکراسی و جلوگیری از توسعهء مفاسد سرمایه‏داری و امپریالیسم سرمایه‏داری، به خدمت محرومان و نفرین‏شدگان ایران،منطقه و جهان کمر بست.